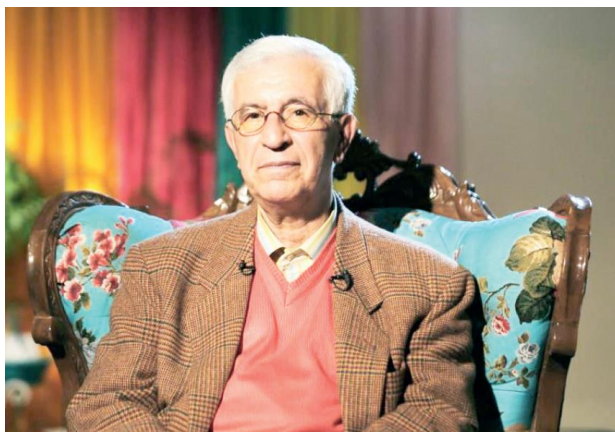


احیای نسخه‌های خطی احیای زبان فارسی است



هنوز در کتابخانه‌های سراسر جهان و در برخی کشورها مثل افغانستان، هندوستان، تاجیکستان و حتی ایران در کتابخانه‌ها و خانه‌ها نسخه‌های خطی از آثار ادیبان و فیلسوفان قرون گذشته به جا مانده که فرصت کشف آن‌ها فراهم نیامده است و احتمالاً کشف آن‌ها می‌تواند تحولی در ادبیات فارسی ایجاد کند. این آثار به کوشش کسانی چون میرهاشم محدث و صدها محقق و پژوهشگر کشف و تصحیح و بعد منتشر می‌شوند و به دست مخاطبان و علاقه‌مندان می‌رسد. میرهاشم محدث متولد ۱۳۳۱ تهران، فوق لیسانس کتابداری، استادیار دانشگاه تهران است و تاکنون حدود ۶۰ عنوان کتاب از متون تاریخی فرهنگی و ادبی کشور را اعم از چاپ سنگی و نسخه‌های خطی تصحیح و منتشر کرده است. نخستین کتاب او «ظهور تیمور» در سال ۱۳۶۱ منتشر شد، وی سپس «مکاتبات ایران و انگلیس» را تصحیح و به دست چاپ سپرد. «مرآت البلدان»، «مجمع الانساب» و «آثار البلاد» و «آتشکده آذر» از جمله آثار معتبری است که به تصحیح وی منتشر شده‌اند.

«نجوم السماء» جدیدترین تصحیح منتشر شده اوست و تصحیح «حدائق المقربی» که سرگذشت حدود ۱۵۰ تن از اصحاب پیغمبر (ص) و یاران حضرت علی (ع) و ارادتمندان ائمه را در خود جای داده، تألیف میر محمد صالح خاتون آبادی است که در سال ۸۹ منتشر شده است و در این هفته کتاب «تذکره سرو آزاد» تألیف میرزا غلامعلی آزادبلگرامی را تصحیح و توسط بنیاد شکوهی منتشر کرد. با میرهاشم محدث درباره این آثار و نقش تصحیح نسخه‌های خطی در اعتلای فرهنگ و ادب این سرزمین به گفت‌وگو نشستیم.

آقای محدث! چگونه به تصحیح نسخه‌های خطی و متون قدیمی و چاپ سنگی علاقه‌مند شدید؟ آیا در دانشکده یا در کلاس‌های خصوصی آموزش ویژه‌ای دیده‌اید؟

واقعیت این است که چون پدرم -میر جلال‌الدین محدث ارموی- یکی از مصححان صاحب‌نام نسخه‌های خطی در گذشته بود، با توجه به علاقه‌ای که نسبت به ما داشت و شوق و ذوق ما را در این امر می‌دید، به من پیشنهاد می‌داد تا فهرست‌های فلان کتاب را دریاورم و فلان موضوع را از این یا آن کتاب خطی استخراج کنم. با این شیوه، کم کم به این مسائل علاقه‌مند شدم، بدون اینکه کلاسی رفته و دوره آموزشی خاص را دیده باشم، روبه تصحیح متون کلاسیک فارسی و نسخه‌های خطی آوردم. شاید اگر پدرم یک مترجم بود به آن وادی کشیده می‌شدم.

نه! در هیچ کلاسی و نزد هیچ استادی تصحیح متون را آموزش ندیدم. چنین کارهایی آموزشی نیست. مثلاً یک زمان دوره تصحیح متون گذاشتند. کسانی که مدرک لیسانس داشتند، در این کلاس‌ها شرکت کردند و مدرک فوق‌لیسانس گرفتند. اتفاقاً اغلب آن‌هایی که در این رشته فوق‌لیسانس گرفتند فقط و فقط می‌خواستند مدرک‌شان از لیسانس به فوق‌لیسانس تبدیل شود و گرنه، هیچ یک از آن‌ها مصحح به معنای واقعی نشدند در چنین کارهایی، با سپری کردن یک دوره آموزشی، کسی به استادی نمی‌رسد. عشق و علاقه می‌خواهد و استعداد. همچنان که دانشجویان روزنامه‌نگاری با سپری کردن سه- چهار سال آموزش به معنای واقعی و حرفه‌ای روزنامه نگار نمی‌شوند.

به هر حال کسی که متن قدیمی و یک نسخه خطی را تصحیح می‌کند، نیاز به شناخت این حوزه و علم و اطلاعات در این زمینه دارد. کسی که شناخت اصولی از ادبیات نداشته باشد و انواع نثر فارسی را نشناسد

فکر نمی‌کنم بتواند به تصحیح متن بپردازد. حتی اگر ذاتاً به این حوزه علاقه‌مند باشد. درست است؟

این نظر کاملاً درست است. کسی که پای در این راه می‌گذارد باید بتواند تا حدودی مقدمات زبان عربی و متن‌های عربی را بشناسد و بخواند؛ چرا که در اغلب این آثار متن‌های عربی هم آمده است. برخی با تعجب می‌پرسند، چرا اسامی اغلب این آثار عربی است؟ باید گفت تا صد - صد و پنجاه سال پیش حتی کتاب‌های فارسی نامی عربی داشتند. به همین دلیل لازم است که فردی که می‌خواهد نسخه‌های خطی را تصحیح کند، کمی به احادیث و آیات قرآن آشنا باشد تا بتواند برای روشن شدن یک موضوع پانوشت و توضیح بدهد یا جملات عربی متن را بفهمد و برای خواننده به فارسی ترجمه کند. علاوه بر سواد ادبی، اشراف به متون عربی هم لازم است. مصحح، باید متون قدیمی را هم تا اندازه‌ای بشناسد و باید چندین نسخه قدیمی را نیز خوانده باشد.

فکر می‌کنید برای رسیدن به این مرحله چه آثاری از متون قدیمی را باید مطالعه کرد؟

اگر مصحح می‌خواهد در زمینه تاریخ کاری کند، باید تاریخ بیهقی، تاریخ یعقوبی و «راحه الصدور» راوندی را بخواند. هر کس، در هر رشته‌ای آثار دم دستی و آثار اولیه را باید مطالعه کرده و به یک شناخت نسبی رسیده باشد.

در میان کسانی که به تصحیح می‌پردازند، نسل جوان خیلی کم دیده می‌شوند یا اصلاً دیده نمی‌شوند. چرا نسل جوان برای ورود به این عرصه از خود علاقه‌ای نشان نمی‌دهد؟

کار در این عرصه نان و آبی برای شخص ندارد. من وقتی بعدازظهرها از کار تدریس فارغ می‌شدم تا ساعت دو - سه نیمه شب مشغول کار روی متون بودم و به تصحیح آثار می‌پرداختم. طبیعی است اگر کاری پیدا شود که ماهانه حقوقی خوب بگیرم باز ترجیح می‌دهم آن را بگیرم و وقتی را برای تصحیح بگذارم. من بعدازظهرها را فدا می‌کنم تا به تصحیح پردازم، یعنی زندگی را مثل قدیمی‌ها سپری می‌کنم.

چه راهکارهایی باید در پیش گرفت تا نسل جوان به این حوزه علاقه‌مند شود و کار امثال شما را دنبال کند؟

جوایزی که هر سال در این زمینه به بهترین تصحیح آثار داده می‌شود، می‌تواند انگیزه‌ای در نسل جوان ایجاد کند تا به این حوزه توجه ویژه‌ای داشته باشند و به تصحیح نسخه‌های خطی روی بیاورند. من همیشه اعتراض داشته و گفته‌ام که هر ساله، صحبت‌هایی در حوزه تصحیح برای کتاب سال عنوان می‌شود، اما در عمل کاری انجام نمی‌شود. حتی در سنوات اخیر از بین ۲۰ الی ۲۵ کتاب سال یک جایزه هم به تصحیح آثار تعلق نگرفت که این جای دروغ و تأسف دارد. این بی‌توجهی یا کم‌توجهی سبب می‌شود که وضع از این هم که هست بدتر شود. ما که از سوی هیچ مرکز و نهادی حمایت نمی‌شویم و باید با هزینه شخصی، از نسخه‌های خطی عکس تهیه کنیم، باید از کار و زندگی خود بزنیم و برای تهیه یک نسخه خطی در فلان کتابخانه یا فلان شهر رنج سفر را بر خود هموار کنیم تا سرانجام بتوانیم در حوزه فرهنگ کاری انجام دهیم و نسخه‌ای را تصحیح و منتشر کنیم. لاقلاً حمایت‌های جانبی از طرف دولت می‌تواند دلگرم‌کننده باشد.

فکر می‌کنید چه حجمی از نسخه‌های خطی در کتابخانه‌های ایران و جهان بویژه در کتابخانه‌های هند، پاکستان و تاجیکستان منتشر نشده باقی مانده‌اند؟

کتاب‌های فراوانی تصحیح نشده در کتابخانه‌ها وجود دارد. در کتابخانه‌های ایران که چنین آثاری فراوان است و در کتابخانه‌های افغانستان و هند هم نسخه‌های خطی و چاپ سنگی فهرست شده‌اند. در این کشورها گاهی آثار منحصر به فردی پیدا می‌شود که چاپ و انتشار آن‌ها باعث غنای فرهنگ و ادب کشور است.

چه راه حلی وجود دارد تا آثاری که در افغانستان و پاکستان و هند وجود دارند، تصحیح و منتشر شوند؟

نخستین اقدام در این زمینه تهیه فهرست نسخه‌های خطی است. در دومین گام می‌توان از طریق رایزن‌های فرهنگی، عکسی از نسخه‌های خطی تهیه کرد. گام بعدی می‌تواند تبادل نسخه‌های خطی موجود در کتابخانه‌های ایران با کتابخانه‌های دیگر کشورها باشد. یعنی باید ارتباطات فرهنگی بین کشورهایی مانند هند و پاکستان و تاجیکستان را باید گسترش داد.

شما به عنوان مصحح فکر نمی‌کنید باید بودجه‌ای در اختیارتان باشد تا بتوانید برای تهیه نسخه‌های خطی به دیگر کشورها سفر کنید؟

البته من برای تهیه نسخه‌های خطی از کشورهای دیگر لازم نمی‌بینم به‌طور شخصی سفر کنم ولی همیشه این موضوع را مطرح کرده‌ام که این کار وظیفه دولت است. این همه جوان علاقه‌مند داریم. امثال استاد عبدالله انوار یکی از چهره‌های افتخارآمیز و فرهنگی کشور هستند. استاد احمد منزوی همین طور. می‌توان یک جوانی را به جای نشانیدن پشت میز، با یک حقوق حداقلی کنار دست این استادان نشانند تا شیوه کار آن استاد، نوع زندگی‌اش و... همه آنچه را از این استاد سر می‌زند بیاموزد و یادداشت کند. این کار خیلی بهتر از کلاس‌های دانشگاهی برای پیشرفت کار است. این یار کمکی، به این استادان دلگرمی می‌دهد. حتی به عنوان دستیار می‌تواند در فیش‌برداری و استنساخ نسخه‌ها به این استادان کمک کند و طبعاً آموزش لازم را هم در این زمینه می‌بیند و در آینده همین افراد جانشین شایسته‌ای برای این استادان خواهند شد.

آقای محدث! اخیراً کتاب «سرو آزاد» توسط شما تصحیح و چاپ شده موضوع این کتاب و علت تصحیح آن چه بود؟

کتاب سرو آزاد تذکره مهمی است شامل شرح احوال و نمونه اشعار صد و چهل و سه شاعر فارسی‌زبان و هشت شاعر هندی اردوزبان و دو امیر شاعرپرور که در سال ۱۱۶۶ هجری قمری یعنی دویست و هفتاد سال پیش توسط یکی از پرآوازه‌ترین نویسندگان مسلمان شبه قاره یعنی میرغلامعلی آزاد بلگرامی (۱۲۰۰-۱۱۱۶) نوشته شده است و تاکنون فقط یک بار از روی یک نسخه خطی صد سال پیش در هندوستان چاپ سنگی شده که اصلاً در

شان این کتاب نیست. همان طور که می‌دانید حکومت صفوی در زمینه فرهنگی خفقان شدیدی را بر کشور ایران حاکم کرده بود که برای اهل علم- بخصوص شعرا- قابل تنفس نبود. آنان ناچار جلای وطن کردند و به هندوستان رفتند. در آنجا به برکت وجود تیموریان هند و حکام دکن - که ادبیات ما مدیون آنان است- محیطی امن برای این هنرمندان ایجاد شده بود. مؤلف این کتاب تا سی و چهار سال پس از تألیف زنده بوده و اضافات و تغییراتی در کتاب خود داده است. یکی از نسخه‌های اساس چاپ من نسخه‌ای است که آخرین تحریر آن بوده. آزاد بلگرامی از مسلمانان شبه قاره بوده که هموطنانش و سایر مسلمانان فارسی و عربی و اردو به او افتخار می‌کنند چون به هر سه زبان آثار فراوانی آفریده و به خاطر اشعار زیادی که در وصف پیامبر گرامی اسلام(ص) سروده به او لقب «حسان الهند» داده‌اند. تذکره سرو آزاد ده دوازده‌سالگی زودتر از آتشکده آذر تألیف شده و شاید بتوان آن را از بعضی جهات مهمتر از آتشکده دانست.

اخیراً همین کتاب توسط خانم زهره نامدار توسط شرکت سهامی انتشار چاپ شده، چه تفاوتی بین این دو چاپ است؟

خردادماه امسال یعنی سه ماه پیش بود که من مقدمه و حتی فهرست‌ها را هم به ناشر تحویل داده بودم که متوجه انتشار کتاب ایشان شدم. بنده همان طور که در مقدمه نوشته‌ام از سال ۱۳۸۹ یعنی پنج سال پیش تصحیح این کتاب را شروع کردم ایشان هم حتماً از چند سال پیش کارشان را آغاز کرده بودند چون تصحیح کتابی چون «سرو آزاد» در یک ماه و دو ماه و یک سال و دو سال انجام نمی‌شود. من کلاً از کار ایشان بی‌خبر بودم ایشان هم حتماً همین طور. به هر حال این داوران و ناقدان هستند که می‌توانند در نقدهایشان این تفاوت‌ها را ببینند.

آیا چاپ یک کتاب توسط دو نفر باعث اتلاف وقت و انرژی نمی‌شود؟

توجه دارید که اینجا نه بانک اطلاعاتی داریم نه به طریق دیگری می‌توان دانست که آیا دیگری هم مشغول تصحیح کتابی که شما در دست دارید هست یا نه. به هر حال من همیشه اعتقاد دارم که هر گلی بوی خودش را دارد! نگرانی دیگری هم نیست. چون کتاب بنده در ۲۵۰ نسخه (دقت بفرمایید ۲۵۰ نسخه) چاپ شده کتاب ایشان هم در ۱۲۰۰ نسخه. این ۱۴۵۰ نسخه برای هشتاد میلیون ایرانی فارسی زبان و بیش از صد میلیون فارسی زبان و فارسی‌خوان و فارسی‌فهم کشورهای دیگر اصلاً رقمی نیست.

شما سرو آزاد را با استفاده از چند نسخه تصحیح کردید؟

همان طور که عرض کردم این کتاب فقط یک چاپ داشت که صدسال پیش در هندوستان چاپ شده است. بیست و سه نسخه خطی هم از این کتاب موجود است که بیست و دو تای آن‌ها در خارج - اکثراً در کتابخانه‌های شبه‌قاره - و تنها یک نسخه از آن در ایران است که آن هم در کتابخانه مرحوم دکتر حسین مفتاح بوده و پس از درگذشت آن فقید بر من معلوم نشد که چه بر سر کتابخانه ایشان آمد. اما با سماجتی که به خرج دادم توانستم به دو نسخه خطی دیگر از این کتاب که در فهرست‌ها معرفی نشده‌اند دست یابم و کارم را با مقابله سه نسخه انجام دهم. یکی از این دو نسخه تحریر نهایی است که توسط خود مؤلف انجام گرفته.

آیا این تحریر نهایی تفاوت زیادی با چاپ قبلی دارد؟

بله. تفاوت آن اندازه زیاد است که فقط با مراجعه به پاورقی‌ها می‌توان دانست.

ناشر کتاب شما ناشر شناخته شده‌ای نیست

ناشر این کتاب «بنیاد شکوهی» است. این بنیاد با هدف حمایت و نشر آثار فاخر در حوزه متون و نسخه خطی فارسی و با پشتیبانی مالی جناب آقای دکتر جلال جلال شکوهی که از اطباء محترم فرهنگ دوست و از خیرین فرهنگی و از نوادگان اهلی شیرازی شاعر معروف هستند تأسیس شده. مدیریت آن با آقای دکتر یوسف بیگ باباپور و شورای علمی آن بنیاد آقایان دکتر بهروز ایمانی، دکتر یوسف بیگ باباپور، مهدی رحیم‌پور، امید سروری و دکتر سیدمحمدحسین مرعشی هستند که نام مبارکشان برای اهل تحقیق آشنا است و از محققین نام‌آور هستند.

با توجه به این که سرو آزاد در هندوستان نوشته شده آیا به زبان فارسی نوشته شده یا به زبان اردو؟

کتاب سرو آزاد در دو فصل نوشته شده: فصل اول در ذکر صاحب طبعان فارسی است که به زبان فارسی نوشته شده و بیشتر کتاب را شامل می‌شود. یعنی در این چاپ ۵۱۲ صفحه شده. فصل دوم در ذکر قافیه سنجان هندی است که به زبان مختلط اردو فارسی نوشته شده که پنجاه و هفت صفحه است. با توجه به اینکه در ایران آشنایان به زبان اردو شاید از انگشتان دست هم تجاوز نکنند آن قسمت را با همان حرف اردو از روی چاپ سنگی اسکن کردم. در انتهای کتاب دو صفحه شعر به عنوان ماده تاریخ آورده شده به طوری که خواننده به سختی متوجه آن‌ها می‌شود، وانگهی بسیار ریز چاپ شده که خواندنش دشوار است.

یکی از هنرهایی که در شعر فارسی موجود است ساختن ماده تاریخ است که کار مشکلی است و تخصص می‌خواهد. این هنر در طول تاریخ هزارساله ادب پارسی توسط شعرا ترویج می‌شده و درحقیقت ثبت یک واقعه تاریخی است که معمولاً در بیت آخر یا نیم بیت آخر آن سروده - در هر قالبی که باشد و آن سروده هر چند بیت

باشد- می‌آید که با حساب حروف ابجد تاریخ آن رویداد را ثبت می‌کند و معمولاً تا امروز تاریخ هجری قمری منظور می‌شد. خود مؤلف برای کتابش سه ماده تاریخ سروده که مطابق با ۱۱۶۶ سال تألیف کتاب است و من آن‌ها را در مقدمه آورده‌ام. این ماده تاریخ سرایی تا نسل قبلی بشدت خود برقرار بود اما در زمان حاضر کمرنگ شده. بنده به خاطر ماندگاری این رسم از دو تن از شاعران بزرگ معاصر درخواست کردم تا ماده تاریخی برای سال چاپ این کتاب بسرایند. آنان هم محبت فرموده قبول زحمت کردند. اما راجع به محل قرار گرفتن آن شعرها و نوع حروفشان هم بنده با شما هم عقیده‌ام و امیدوارم با عنایت ناشر محترم در چاپ مرحله بعد این ایراد رفع شود. فعلاً که ۲۵۰ نسخه به این شکل چاپ شده. ماده تاریخ اول را استاد دکتر عباس کی‌منش متخلص به مشکان گیلانی استاد محترم دانشکده ادبیات دانشگاه تهران سروده‌اند.

منبع: روزنامه ایران